

**جاسوسی، فحاشی و توطئه گری برهان قاطعی بر ورشکستگی و رسوائی رویزیونیستها  
و اپورتونیستهای مرتد و خاین این نوکران بی مقدار امپریالیسم و ارتجاع بین المللی است.**

"میرویس محمودی" این جاسوس خاین درپخش سند شماره (3) وظیفه ای مزدوری و جاسوسی اشرابه امپریالیسم و ارتجاع طبق تعهدش انجام داده و به این طریق نام ننگین اشرا منحیث یک جاسوس خود فروخته یکباردیگر در تاریخ به ثبت رساند. ننگ بر این مزدور فرومایه و مریبان و حامیان رویزیونیست و اپورتونیست وی. من در اعلامیه های قبلی ام متذکر شده ام که این عنصر سفله و عقبمانده و ننگ خاندان (دوکتور عبدالرحمان محمودی) چون ملعبه ای در دست 'گروه های رویزیونیست و اپورتونیست و تسلیم طلب بوده و خیانت و جاسوسی را علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) انجام وظیفه " مقدس" اش دانسته و جزء افتخاراتش بحساب می آورد. این خرد باخته مدتی است که توسط گروه های " ساما- ادامه دهندگان"، "سازمان انقلابی" افغانستان و افرادی از "ساوو" منحیث یک بازیچه علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) مورد استفاده قرار گرفته و به توهین و ناسزاگوئی و فحاشی ادامه می دهد.

"ساما" که بعد از شهادت مجید درمنجلا ب اپورتونیسم و جمهوری اسلامی خواهی و تسلیمی به دولت مزدور خلقی پرچمیها و سوسیال امپریالیستهای روسی غرق شد و در اوایل دهه هفتاد خورشیدی در همکاری با دولت اسلامی (متشکل از گروه های ارتجاعی و مزدور جهادی، ملیشه های مزدور روسی و باندهای جنایتکار و خاین پرچمی خلقیها) قرار گرفت و ماهیت اپورتونیستی و تسلیم طلبانه اش بیش از پیش برای توده های خلق و روشنفکران مردمی افشا گردید. همچنین "سازمان رهائی" که درمنجلا ب رویزیونیسم "سه جهانی" سقوط کرد و چهره واقعی اش برای روشنفکران انقلابی و مترقی و توده های مردم افشاشد، زیر چتر حمایتی دولت رویزیونیستی و ارتجاعی چین به حیات اش ادامه می دهد. زمانیکه امپریالیستهای امریکائی و اروپائی افغانستان را اشغال نظامی کردند و خلق مارا به زنجیر اسارت و بردگی کشیدند؛ صبح امید "سازمان رهائی" هم دمید و در کنفرانس استعماری و اسارت آور "بن" در اوایل سال 2001 میلادی در کنار باندهای ارتجاعی جنایتکار و آدمکش این دشمنان قسم خورده خلق و میهن (تحت نظارت ملل متحد و رهبری امپریالیستهای امریکائی و اروپائی) در این کنفرانس شرکت کرد و در دولت دست نشانده سهم گرفت و دوازده سال است که از خوان نعمت امپریالیستهای امریکائی و اروپائی مستفید می شود. به همین صورت با تدویر کنفرانس "بن" و تشکیل دولت دست نشانده تحت رهبری کرزی مزدور، ستاره اقبال "ساما" نیز در افق پدیدار شد و چنان شور و هیجان برای "ساما" آنها بوجود آورد که سراز پا نمی شناختند و خود را به هردری می زدند تا در دولت استعماری به جاه و مقام و نان نوائی برسند. "ساما" کنفرانس "بن" را خیر مقدم گفته و دولت دست نشانده و وضعیت استعماری را در کشور " فرصت جدید" برایش می دانست. تعدادی از "ساما" آنها به مقامهای وزارت و معینیت ریاست و ولایت رسیدند، حزب قانونی تشکیل دادند و به ترویج ایده های پارلمانتاریستی و انقیاد و تسلیم طلبی پرداخته و شرکت در پارلمان استعماری را تبلیغ می کردند. در جهت دیگر طی یکی دو سال اخیر "ساما" از حالت اغمای طولانی مدت بیرون آمده و بخش "ساما- ادامه دهندگان" بابخش باصطلاح منشعب از "سازمان رهائی" بنام "سازمان انقلابی" افغانستان بار دیگر سعی می کنند تا با استعمال کلمات و اصطلاحات "مترقی" و "انقلابی" نسل جدید از روشنفکران مترقی را اغوا کنند.

زمانی مواضع و نظرات انحرافی گروه های رویزیونیست و اپورتونیست و تسلیم طلب منجمله "ساما"، "سازمان رهائی"، "اخگر"، "ساوو-املا" و "سازمان انقلابی" افغانستان توسط ما و دیگر بخشهای جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) کشور مورد نقد قرار گرفتند و چهره های واقعی آنها خاصاً برای نسل جدید جنبش انقلابی پرولتری و جنبش مترقی کشور افشا گردید؛ دچار جنون شده و بگونه هستریک حملات اپورتونیستی را علیه جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) آغاز کرده و اقدام به

انتقام‌گیری کردند. این گروه های اپورتونیستی و رویزیونیستی و تسلیم طلب که در جنبش انقلابی و جنبش چپ کشور گذشته ای تیره و تاری دارند؛ بجای ادامه مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی؛ به تاکتیکهای ارتجاعی و خاینانه متوسل شده و عنصر اوباش و فحاش و جاسوسی را بنام (میرویس محمودی) به روی صحنه آورده اند تا علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م.ل.م) فحاشی، توطئه گری و جاسوسی کند و از این طریق عقده های متراکم شان را علیه خط انقلابی پرولتاری (مارکسیستی- لنینیستی- مائوئیستی) می کفانند. و این خاینانه ترین و رذیلانه ترین شیوه ایست که این رویزیونیستها و اپورتونیستهای منحط علیه جنبش انقلابی پرولتاری (م.ل.م) و فعالین این جنبش بکار می برند. اینها چندی قبل این عمل خاینانه و ضدانقلابی را مستقیماً توسط عنصر فحاش و ضدانقلابی دیگری بنام (موسوی) انجام می دادند. میرویس محمودی این خود فروخته و فاقد شرف و اخلاق انسانی یاره ها و اراجیفی را علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتاری در سایت "افغانستان- آزاد" (تریبون فحاشی و توطئه گری و لانه عناصر جاسوس معلوم الحال) به نشر می رساند. محتوی این "فحشنامه ها" از یک طرف بیانگرافلاس و ورشکستگی سیاسی و انحطاط ایدئولوژیکی و فکری این باندهای اپورتونیست و رویزیونیست است و از جانب دیگر "شخصیت" و هویت "موم" این جاسوس هرزه را به نمایش می گذارد. از این یاره گونیها و فحاشیها و جعلکاریها و دروغ پردازیها برمی آید که میرویس محمودی عنصری دارای شخصیت و روان عمیقاً بیمار و صدمه دیده و جاهل است که اثرات آن در این چرند نامه ها واضحاً به مشاهده می رسد. هر انسان باشخصیت و با وجدان و عاقل که لاطیالات و فحاشیهای "موم" را بخواند به عمق ذهنیت بیمار و طرز تفکر منحط ارتجاعی وی و هم اینکه او یک جاسوس مزدور پیش نیست، پی می برد. این هتاکیها و توهین و "تحقیر" و فحاشیها، دروغبافیها، جعلکاریها و توطئه گریها نشانگر انتهای بی شخصیتی و بی بندوباری و لچکی "موم" است. تجربه بارها نشان داده است که در جوامع مختلف (خاصاً در کشورهای تحت سلطه) ارتجاع و امپریالیسم از قماش عنصری مانند (موسوی) و "موم" علیه شخصیتها و فعالین جنبش های انقلابی و مترقی استفاده کرده و آنها را مورد دشنام، هتاک و فحاشی و اتهام قرار داده اند. دورنمی روی طی حدود سه و نیم دهه اخیر رژیم ننگین خلقی پرچمیهای جنایتکار و خاین و قاتل مردم افغانستان و بداران روسی آنها، گروه های ارتجاعی اسلامی در افغانستان و رژیم ارتجاعی ایران هزاران تن لومپن و اوباش و خود فروخته و بی خاصیت مانند "موم" و (موسوی) را در دستگاه های جاسوسی شان به خدمت گرفته و در شکنجه و کشتار نیروهای انقلابی و مترقی و توده های خلق از آنها استفاده کرده اند. زیرا هیچ انسان با شرف و با وجدان و صاحب آبرو و عزت و شرف هرگز تن به جاسوسی و وطن فروشی و چنین اعمال خاینانه و ننگینی نداده و به خدمت ارتجاع و استعمار و امپریالیسم مانند "موم" و دیگر همپاله هایش قرار نمی گیرد. همچنین به این نکته باید توجه داشت که میرویس (محمودی) یک شبه و یا طی چند ماه اخیر به چنین عنصری اپورتونیست، بی شخصیت، فرومایه، لچک و فحاش، توطئه گرو جاسوس مبدل نه شده است. این خصایص در اوطی یک پروسه طولانی شکل گرفته و در مراحل مختلف زندگی اش تکوین یافته است. او این عمل خاینانه جاسوسی را باید قبل از این نیز انجام داده باشد. تغییر و تحول در شخصیت، اخلاق و طرز تفکر افراد تصادفی بوجود نمی آید و زمینه ها و فکتورهای اجتماعی، سیاسی و روانی مختلفی در آن نقش بازی می کنند. همین "موم" را در نظر بگیرید؛ زمانی که نقاب وی افتاد و چهره واقعی اش بر ملا گردید؛ ملاحظه می شود که با هیچ معیار و ارزش اخلاقی پای بند نیست و هر آنچه در ذهن علیل اش خطور می کند و یا دیگران به خورد وی می دهند بدون هیچ تأمل و ملاحظه و حیائی بر روی صفحه می آورد. وقتی "موم" خاینانه نام و هویت من را برای استخبارات امپریالیستی و دولت‌ها و گروه های ارتجاعی افشا می کند؛ بدون هیچ شکی باید برای دستگاه خاد رژیم مزدور خلقی پرچمی ها جاسوسی کرده باشد و اکنون هم برای استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی خدمت می کند. میرویس (محمودی) در این عمل خاینانه جاسوسی علیه (من) تنها مسئول نیست؛ زیرا اوقلاً از نام و هویت من کوچکترین اطلاعی نداشته است و من هم قبل از آن هرگز با وی آشنائی نداشته ام. این جاسوس پلید و همپاله اش (موسوی) را فردی بنام (کبیرتوخی) برای من معرفی کرده است. اینکه "ک.ت" چگونه رفیق سیاسی میرویس (محمودی) و (موسوی) بوده و آنها از هیچ نوع توطئه گری و فحاشی و جاسوسی و خیانت علیه (من) و دیگر فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م.ل.م) دریغ نکرده و نمی

کنند؛ مسئله دیگری است که باید بطور جداگانه مورد بحث قرار گیرد. ولی طنز قضیه اینجاست که همین "جاسوس شناس ماهر" آموزگار و مشوق میرویس (محمودی) جا سوس و فحاش و توطئه گراز آب درآمد. میرویس (محمودی) و حامیان او بدانند که با این دشنامها و فحاشیها و جاسوسیها و توهین "تحقیرها" نمی توانند کوچکترین خللی بر شخصیت من وارد کنند. بلکه عکس آن این اعمال خاینانه و ضد انقلابی هر چه بیشتر ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و شخصیت "موم" و (مرشد و مربی) وی و دیگر رویزیونیستها و اپورتونیستهای عقب این توطئه خاینانه را برملا می سازد. این توده های خلق زحمتکش و اشخاص و نیروهای انقلابی و مترقی و آزادی خواه هستند که در این باره قضاوت می نمایند؛ نه این سگهای مرده (اپورتونیستها و رویزیونیستهای خاین و جاسوس) و بداران امپریالیست و ارتجاعی آنها. قرار نیست ما با "موم" این لومپن بی حیثیت و خاین وطن فروش و جاسوس به مناظره پرداخته و فحاشیها و اراجیف وی رایسوخ بدهیم؛ زیرا این عنصر فرومایه در هیچ سطحی ارزش مباحثه را ندارد. او وسیله ی در دست گروه های مختلف رویزیونیستی و اپورتونیستی است که بیشرمانه خود را پشت سر چنین عنصر فرومایه ای مخفی کرده اند.

مورد دیگری که در اراجیفنامه های "موم" به دفعات تکرار شده است، نظرات و تفکرات ارتجاعی نفرت انگیز نژادپرستانه، تبعیض نژادی است. و این مسئله هر چه بیشتر ذهنیت ارتجاعی میرویس محمودی و حامیان رویزیونیست و اپورتونیست وی را آشکار می سازد.

انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم و تسلیم طلبی از دشمنان نقابدار و خطرناک کمونیسم انقلابی (مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم) هستند؛ در اینجا منظور اصلی ما و دیگر بخشهای جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) افغانستان افشای ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی این گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی و تسلیم طلب هستند تا هر چه بیشتر ماهیت و چهره های ضد انقلابی آنها برای توده های خلق و نیروهای مترقی افشا شود. "موم" در این توطئه خاینانه طراحی شده توسط این باندهای رویزیونیست و اپورتونیست نقش یک دلقک و جاسوس فرومایه را بازی می کند. میرویس (محمودی) کودکانه و کودنانه اینرا "بهانه" قرار داده و می گوید که گویا (من) نام اورا "افشا" کرده ام. در حالیکه او با همین نام اراجیفی به نشر می رساند و من و دیگر فعالین جنبش انقلابی پرولتری را مورد حملات خصمانه و فحاشی قرار می دهد. من چگونه نام وی را "افشا" کرده ام؟! حماقت و سفاهت هم حدی دارد اما نه برای "موم" و حامیان وی! این بهانه جویی کودنانه حقارت و پستی اورا نیز نشان می دهد. در جوامع عقب نگهداشته شده مانند افغانستان در مواردی مانند این ادعای بی بنیاد و مضحک "موم"، اصطلاح "خود را به یخن کسی انداختن" را بکار می برند. باین صورت که افرادی رذیل، دغل و شیاد، خاین و توطئه گر، شخص باشرافی را توسط فرد اوباش، لچک و بی آبروی مانند (میرویس محمودی) مورد فحاشی و اهانت قرار می دهند. با این ادعای واهی نه تنها "موم" بیچاره مفلوک و کودن که (مرشد و مربی وی) و وی هم خود را را مفتضح کرده اند. رویزیونیستها و اپورتونیستهای حامی میرویس (محمودی) تصور می کنند که با این شیوه های خاینانه و ارتجاعی و یا با جاسوسی می توانند بر جنبش انقلابی پرولتری (م.ل.م) و حیثیت و موقعیت انقلابی فعالین آن ضربه وارد نمایند و آنها را از افشای ماهیت رویزیونیسم و اپورتونیسم شان بازدارند. این رویزیونیستهای مرتد و ضد انقلاب و این چاکران بی مقدار سرمایه جهانی و امپریالیسم و ارتجاع هرگز نخواهند توانست در مسیر پیشرفت و تکامل جنبش انقلابی (مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی) مانع ایجاد کنند. و میرویس (محمودی) این دلقک خود فروخته و جاسوس و این گروه های رویزیونیست و اپورتونیست تسلیم طلب هر چه گسترده تر در معرض تنفر و محکومیت روشنفکران انقلابی و مترقی و توده های خلق قرار خواهند گرفت.

( پولاد )